



نقش تشریفات در تشکیل رابطه حقوقی ناشی از اسناد تجاری

احمد اسفندیاری

استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

چکیده

همه روزه، اموال زیادی میان مردم عادی و تجار، رد و بدل شده و معاملات بسیاری انجام می‌شود. رابطه ای که از طریق انجام معامله، میان اطراف آن ایجاد می‌شود رابطه پایه نام دارد و در فقه و حقوق مدنی، مورد بحث و بررسی واقع می‌گردد. در روابط پایه، قصد انشاء به وسیله الفاظ، اشارات، فعل یا نوشته ابراز می‌شود. برات، سفته و چک، ابزارهایی به شمار می‌روند که در تنظیم روابط مالی میان تجار، نقش مهمی دارند. رابطه ای-که از طریق رد و بدل شدن سند میان اشخاص وارد در آن شکل می‌گیرد- رابطه سندی نامیده می‌شود و در حقوق اسناد تجاری، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در روابط سندی، از یک سو، کتبی بودن، مبرز قصد انشاء برخی اطراف سند و از سوی دیگر، عینی بودن آن در مورد برخی دیگر، رکن عمل حقوقی محسوب می‌شود. به این ترتیب، برخلاف اعمال حقوقی مبتنی بر حقوق مدنی در حقوق اسناد تجاری، وسیله ابراز قصد انشاء از طرف هر یک از صادرکننده، قبول کننده، و... نوشتن و امضاء سند و تسلیم آن و از طرف دارنده، قبض و تسلیم آن می‌باشد. هدف این مقاله بیان ابراز قصد انشاء در تشکیل رابطه حقوقی ناشی از اسناد تجاری بوده و در تدوین آن از روش توصیفی-تحلیلی و با به کارگیری ابزارهای کتابخانه ای استفاده شده است.

واژگان کلیدی: رابطه پایه، رابطه سندی، سند تجاری، کتبی بودن، تسلیم



مقدمه

هر روزه در میان مردم روابط حقوقی بسیاری ایجاد شده یا از بین می‌رود. منظور از رابطه حقوقی، حوادث و وقایعی است که در روابط میان اشخاص رخ می‌دهد و آثار حقوقی بر آنها مترتب بوده و موجبات ایجاد یا سقوط حق یا تکلیف و همچنین مسئولیت را فراهم می‌سازد مثلاً پس از انعقاد قرارداد بیع یکصد تن گندم، الف (خریدار) براتی به مبلغ پانصد میلیون ریال به سررسید سه ماه از تاریخ صدور را در وجه ب (فروشنده) و بر عهده ج (ثالث) - که سی تن برنج از وی خریداری نموده بود- صادر و تسلیم وی می‌نماید که پس از قبول به ج تسلیم می‌شود.

روش تحقیق

این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با به کارگیری ابزارهای کتابخانه‌ای از قبیل فیش برداری از کتاب‌ها و مقالات و بررسی تحلیلی یافته‌ها نگاشته شده است.

یافته‌ها








یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که برای دستیابی به منشأ موضوعی با عنوان «نقش تشریفات در تشکیل رابطه حقوقی ناشی از اسناد تجاری» در حقوق ایران و سیر تحول آن، کتبی بودن و عینی بودن رابطه حقوقی ناشی از اسناد تجاری، نقش مهمی ایفا می‌کند. برای نشان دادن این سیر تحول و دلایل تاریخی و اجتماعی آن، بررسی مفاهیم زیر هرچند به طور مختصر، لازم می‌نماید:



در اینجا دو نوع رابطه، ایجاد می‌شود: رابطه اصلی و رابطه سندی:



منظور از رابطه پایه، آن دسته از عناوینی است که علاقه و بستگی حقوقی خاصی میان اشخاص با یکدیگر یا میان آنها و اشیاء، ایجاد (مانند بیع، اجاره و حیات، احواء، و رجوع) یا آن را انتقال داده (مانند حواله، ضمان، تبدیل تعهد و ...) یا ساقط می‌نماید (مانند ابراء و طلاق و اقاله، فسخ، اعراض) و حتی وقایع حقوقی مانند اتلاف، غصب، استیفاء، تولد و فوت و... نیز ممکن است موجب ایجاد حق و تکلیف و مسئولیت شود. روابط پایه از یک طرف، ممکن است به حکم قانون یا به اراده خود اشخاص ایجاد، منتقل یا ساقط شود و از طرف دیگر بدون تردید، فرد شایع و بارز رابطه پایه، رابطه اصلی و مبنایی میان اشخاص مذکور می‌باشد-که معمولاً ناشی از یک عمل حقوقی دو طرفی مانند عقد بیع یا عمل حقوقی یکطرفی مانند ابراء یا واقعه حقوقی مانند اتلاف است-که قبل از امضاء سند وجود دارد. با این حال تصور وجود رابطه سندی بدون وجود رابطه پایه نه تنها غیر ممکن نیست بلکه در قوانین به رسمیت شناخته شده است (مانند برات سازشی). منظور از رابطه پایه، تمام روابطی است که ممکن است قبل از امضاء سند یا بعد از آن، در خارج از سند، میان اشخاص دخیل در آن، شکل بگیرد و بر تعهدات ناشی از سند، موثر واقع شود.





منظور از رابطه سندی، رابطه‌ای است که از طریق رد و بدل شدن سند بین اطراف آن شکل می‌گیرد و موجب ایجاد حقوق و تعهدات ویژه‌ای برای آنها و نوع خاصی از مسئولیت در برابر دارنده می‌شود مانند - امضاء یک فقره برات به مبلغ فوق از طرف «الف» بر عهده «ب» در وجه «ج» و تسلیم آن (رابطه سندی میان الف و ج)، امضاء برات فوق از طرف «ب» و تسلیم آن به «ج» (رابطه سندی میان ب و ج) و ظهرنویسی برات فوق از طرف «ج» و تسلیم آن به «د» (رابطه سندی میان الف، ب، ج و د).

هر روزه اسناد بسیاری بین تجار، رد و بدل می‌شود. در میان این توده بزرگ اسناد، اسناد تجاری جایگاه مخصوصی دارند. این اسناد اگرچه وسیله جابجایی دارایی تاجر و انجام معاملات و مبادلات بازرگانی داخلی یا بین‌المللی به شمار می‌آیند ولی تمام آنها در امر تجارت، نقش یکسانی ایفاء نمی‌نمایند.


عنوان باب چهارم قانون تجارت، مصوب  «برات، فته طلب و چک» انتخاب و سپس در سه فصل متوالی، احکام هر کدام بیان و فصل پنجم به «اسناد در وجه حامل» اختصاص یافته است. تصویبنامه قانونی قبض انبارهای عمومی ()، قانون تأسیس اوراق بهادار () و مواد  و  قانون مالیات‌های مستقیم () و لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت () هر کدام مصادیقی مانند قبض انبار، اوراق قرضه، اوراق سهام، بارنامه اعم از دریایی، هوایی، زمینی، بیمه نامه و حواله تحویل کالا را به اسناد فوق افزودند. علاوه بر این، اسکناس، بلیط‌های بانکی چک پول مانند ایران چک و ضمانتنامه بانکی نیز در بازار رواج دارند و اسناد تجاری به معنای عام کلمه نامیده می‌شوند. بنابراین، اسناد مذکور، شامل هر نوع سند یا نوشته ای است که ایجادکننده یا مبین حقوق یا تعهدات تجاری باشد اما همه آنها دقیقاً با تعریف اسناد تجاری، قابل انطباق نمی‌باشند.

در کشور های مختلف در باره اسناد تجاری به معنای خاص کلمه اگرچه تفاوتی وجود دارد ولی نظام های حقوقی مختلف در مورد مفهوم و مصادیق آن به هم نزدیک شدند. در حقوق فرانسه، اگرچه قانونگذار مصادیق اسناد تجاری به معنای خاص را مشخص نکرده است اما موضع غالب در سطح دکترین، برات، سفته، چک و قبض انبار های عمومی را از مصادیق آن می شناسد (اخلاقی، ) 14). در حقوق کشورهای آنگلو-ساکسون اگرچه اسنادی مانند اسکناس، حواله یا چک بانکی، اسناد خزانه، گواهینامه موقت سهام، سهام در وجه حامل و اوراق قرضه در رویه دادگاه های این کشور در زمره اسناد قابل معامله¹ یا اسناد تجاری به معنای خاص معرفی شدند (اخلاقی، جزوه درسی حقوق تجارت ) 18) اما آنچه اهمیت دارد برات، سفته و چک می باشد.

برعکس در حقوق ایران نه تنها قانونگذار مصادیق اسناد تجاری را مشخص ننموده است بلکه عنوان ویژه ای برای این مبحث انتخاب نکرده و حتی از معرفی معیارهایی برای تعیین این اسناد خودداری کرده است. همین موضوع سبب گردید تا حقوقدانان نیز در وجه تسمیه و تعیین مصادیق آن دچار اضطراب و تشتت آراء شوند و هر کدام به فراخور ذوق و سلیقه خود عناوینی مانند «اسناد تجاری یا اسناد تجارتی» (اخلاقی، ) 1371، 3: 1373، 226؛ کاویانی، 1383، 9، «برگه های تجارتی» (کاتوزیان، 1379، 255)، و «اسناد تجاری یا اسناد براتی» (اسکینی، ) 1373، 6؛ صقری، 1380، 1، 13 و 26) را انتخاب نمایند.

موضع دکترین نیز درباره قلمرو اسناد مذکور چندان روشن نیست. برخی نویسندگان حقوق تجارت از برات، سفته، چک، قبض انبارهای عمومی، اسناد در وجه حامل (اسکینی، )، صقری، ) و عده ای نیز به عنوان اسناد تجاری از برات، سفته، چک، قبض انبارهای عمومی، اسناد در وجه حامل و اوراق بهادار (ستوده تهرانی، 1388، 213) و گروهی به بیان اوصاف و احکام برات، سفته و چک اکتفا نمودند (اسفندیاری، )، اخلاقی، )؛ کاویانی، 1383، عبادی، 1373؛ فخاری، بی تا) به آن کالا بوده و فاقد مبلغ و سررسید می باشد. اوراق قرضه و اوراق سهام نیز اگرچه معرف مبلغی، وجه نقد می باشد ولی، دارای سررسید طولانی و دومی، فاقد سررسید بوده و هیچکدام قابل تنزیل نمی‌باشند.

حقوق مدنی، در برگزیده اصولی است که برای تأمین حق و عدل تنظیم شده است با این حال ممکن است اعمال این اصول در پاره ای موارد استثنایی با عدالت یا مصالح اجتماعی، ناسازگار باشد و همین امر موجبات عدول و فاصله گیری از قواعد حقوق مدنی را فراهم سازد. این نحوه عدول از خود حقوق مدنی شروع شد مثلاً اگرچه طبق قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» زیان هر مالی به مالک آن تحمیل می شود اما در عقود تملیکی در صورتی که موضوع معامله قبل تسلیم تلف شود اگر چه متعلق به انتقال گیرنده است، زیان آن بر عهده انتقال دهنده قرار می گیرد چنانکه قاعده تلف مبیع قبل از قبض بر آن صحه گذاشته است (محقق داماد، 1380، 2، 75). علاوه بر این، طبق قسمت اول ماده 31 قانون مدنی، علی الاصول، هیچ مالی را نمی‌توان بدون رضایت صاحب آن از چنگ وی بیرون آورد با این حال ماده 808 قانون مذکور در موارد استثنایی از قاعده فوق عدول نموده و به شفیع اجازه داده است که بدون رضایت خریدار مال غیر منقول با دادن ثمن معامله به وی، ملک را از دست او خارج سازد.

اگرچه میان دو مجموعه قانون تجارت و قانون مدنی، ارتباط تنگاتنگی و عمیقی وجود دارد ولی این امر هرگز به معنای یکی بودن این دو مجموعه نیست تا جایی که برخی از نویسندگان حقوقی، قوانین تجارتی را استثنائات مهمی بر قوانین مدنی دانستند (عبادی، )، بنابراین نهاد های حقوق تجارت به صورت عام و حقوق براتی به صورت خاص به طور معناداری از حقوق مدنی

¹ - Negotiable Instruments



فاصله پیدا نمود مانند تکلیف تجار به داشتن دفاتر تجاری، سندیت دفاتر تاجر حتی به نفع او، شخصیت حقوقی شرکت های تجاری، حاکمیت اکثریت بر اقلیت در شرکت های تجاری، بارنامه دریایی، هوایی زمینی، قبض انبار، سهام شرکت ها، اوراق قرضه، برات، سفته، چک و مقررات و شکستگی. مثلا در حقوق مدنی، کاسب نه تنها الزامی به داشتن دفتر ندارد بلکه در صورت داشتن دفتر نیز قانونگذار برای آن هیچ مزیتی فراتر از سایر اسناد عادی قایل نشده است و از طرف دیگر قانون مدنی، شرکت را «اجتماع حقوق مالکان متعدد در شئی واحد به نحو اشاعه» تعریف می نماید در شرکت مدنی، دو یا چند حق مالکیت با یکدیگر در می آمیزد و هدف آن رسیدن به نوعی اتحاد است اتحادی که به حالت اجتماع در می آید بدون اینکه اصالت هر کدام از مالکیت ها از میان برود (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۷۰) و از آنجا که تصرف در مال مشترک، مستلزم تصرف در حق سایر شرکاء می باشد هیچ یک از مالکان مشاع بدون اذن شریک دیگر حق تصرف مادی در مال مشترک را ندارد (امامی، حقوق مدنی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۰؛ کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۷۰) اما در شرکت تجاری، اتحاد مالکیت ها به نقطه کمال می رسد به صورتی که مالکیت های جزء، اصالت خود را از دست می دهد و سرمایه، هویت جداگانه ای پیدا می کند و متعلق به شرکت بوده و دارای شخصیت حقوقی می شود (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۷۰؛ اسکینی، ۱۳۸۵، ص ۷۰؛ عبادی، ۱۳۸۵، ص ۷۰).

حقوق اسناد تجاری به منظور تامین نیاز های خود به نهاد ها، ابزار و وسایلی نیاز دارد که نه تنها ظروف و قالب های حقوق مدنی، قابلیت گنجایش این نهادها را ندارند بلکه از ظرفیت حقوق تجارت سنتی نیز فراتر می روند و با اسناد و اوراقی که در زندگی اشخاص عادی بکار می رود و وسیله حل و فصل موضوعات مدنی میان آنها قرار می گیرد، تفاوت هایی دارد. منظور از «اسناد تجاری»، اسنادی است که معرف طلب یا مالی بوده و به نحوی در تجارت مورد استفاده قرار می گیرد مانند اسکناس، اوراق قرضه، قبض انبارهای عمومی، سهام، بارنامه (اعم از هوایی، زمینی، دریایی)، چک و سفته و ... این اسناد از جمله وسایلی به شمار می آیند که در میان توده اموال منقول و غیر منقول به گردش در آمده و امکان نقل و انتقال دارایی و موجبات ضمانت و مشارکت اشخاص را در امر تجارت فراهم می سازد و به عبارت دیگر، این اسناد، اموال نوینی را تشکیل می دهد این در حالی است که در حقوق مدنی هر جا سخن از مال به میان می آید، آنچه به ذهن متبادر می شود «شئی مورد رغبت مادی» است که خود به دو گروه کلی «عیان» و «منافع» تقسیم می گردد و در اموالی مانند بارنامه دریایی، قبض انبار، سهام شرکت ها، برات، سفته و چک به دیده تردید می نگرد. بر خلاف حقوق مدنی که بر اساس آن سندی که بدهکار در قبال بدهی خود به طلبکار می دهد صرفا سند دین یا سند طلب به حساب می آید و چیزی بیش از این حکایت نمی کند اما بارنامه دریایی و قبض انبار علاوه بر اینکه سند طلب یا دین است، سند مبین کالا نیز می باشد و تمام ویژگیهای مهم کالا در آن درج شده است و کسی که آن را در اختیار دارد گویی بر کالای موضوع آن سلطه دارد. ماده ۱۱۱ کنوانسیون مربوط به قرارداد حمل و نقل بین المللی از طریق جاده به کسی که اسم او در بارنامه، نوشته شده حق دریافت کالا را می دهد و دارنده بارنامه را صاحب آن می داند.

به موجب ماده ۱۱۱ تصویب نامه مربوط به تأسیس انبارهای عمومی، قبض رسید علاوه بر اینکه سند مالکیت کالا برای دارنده آن به حساب می آید دلیل سپردن آن به انبار عمومی نیز می باشد (مواد ۱۱۱ و ۱۱۲) همچنین با ظهورنویسی قبض رسید، مالکیت کالای موضوع قبض نیز به ذینفع ظهورنویسی منتقل خواهد شد.

ماده ۱۱۱ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، قابلیت معامله سهم را به صراحت نموده و در انتقال سهام با نام علاوه بر ثبت شدن در دفتر ثبت سهام شرکت در صورتی که تمام مبلغ تعهد شده آن پرداخت شده باشد باید به امضاء انتقال دهنده یا وکیل یا نماینده قانونی او برسد و در صورتی که تمام مبلغ تعهد شده پرداخت نشده باشد انتقال گیرنده یا نماینده قانونی او نیز امضاء نماید (ماده ۱۱۱ ل. ا. ق. ق. ت). در ماده ۱۱۲ نحوه انتقال سهام بی نام را صرفا به قبض و اقباض اعلام کرده است اما

برات، سفته و چک، فواید، ویژگی ها و مزایایی دارند که قابل نقل و انتقال بوده و متضمن دستور پرداخت مبلغ معینی به رویت یا سررسید کوتاه مدت بوده و از مقررات ویژه قانونی پیروی می نمایند. در این بخش از حقوق تجارت، مقررات و قواعدی حاکم است که نه تنها در حقوق مدنی بلکه در حقوق تجارت غیر براتی نیز نظیر آنها دیده نمی شود تا جایی که عده ای آن را «حقوق شوک» نامیده اند و این اصطلاح حاکی از این است که مقررات حاکم بر این بخش از حقوق تجارت به دلیل تعارضی که با قواعد مسلم حقوق مدنی در آن



ظاهر می‌شود، نویسندگان حقوق مدنی و حتی حقوق تجارت را دچار اضطراب می‌نماید و قطعاً در دیدگاه فقیه معتقد به مبانی و اصول دینی که در آن ناحق و ظلم، هیچ‌گاه منشأ حق واقع نمی‌شود آنرا تا حد مفهوم ظلم تنزل می‌دهد. مثلاً در حقوق براتی اگر براتی، مورد جعل واقع شده و جاعل آنرا در معاملات تجاری به جریان بیاورد و مثلاً ثمن یکصد معامله را پوشش دهد فقط تحت شرایطی، امضاء صادرکننده مخدوش است بدون اینکه نسبت به بقیه امضائات و تعهدات روی سند به این جهت خللی وارد شود چنانکه در مثال فوق مشاهده می‌شود جعل که بر اساس قانون جرم به حساب می‌آید، منشأ صدور سند براتی شده است و به عبارت دیگر، امر مذمومی مانند جعل پس از اینکه سند از ید جاعل، خارج شد و به گردش درآمد، منشأ حق واقع شده است. بخشی از این ویژگی در اسناد مذکور، ناشی از شکل و تسلیم مادی آن می‌باشد.

بحث

دو ویژگی اصلی روابط ناشی اسناد تجاری، کتبی و عینی بودن آن می‌باشد:

📁- کتبی بودن انشاء

وجود اراده یا قصد از جمله ارکان هر عمل حقوقی است خواه این عمل از جمله عقود یا ایقاعات باشد زیرا ماهیات حقوقی مانند بیع، اجاره، رهن، هبه، ابراء و .. مخلوق اراده و قصد می‌باشند. بنابراین وقتی که خریدار و فروشنده، سند معامله را امضاء می‌نمایند بدی نویسیه تصمیم خود را بر فروش یا خرید به اجراء در می‌آورند و وضعیت ویژه ای را در عالم حقوق- که عالم اعتبار نیز نامیده می‌شود- ایجاد می‌نمایند چنانکه در امور طبیعی و مادی، نقش یک نجار و بناء، سازندگی و ایجاد است، در عالم حقوق نیز نقش معامله کننده، خلاقه و سازنده است که این امر، مستلزم قصد انشاء می‌باشد. منتهی تفاوت بین امور طبیعی و حقوقی در این است که مخلوقات و موجودات طبیعی، امری، مادی و مخلوقات حقوقی، غیر مادی و اعتباری است و نمی‌توان آنها را با حواس ظاهری احساس کرد. بنابراین، قصد انشاء یعنی اراده ماهیت حقوقی و معامله کننده بدینوسیله با اراده خود موجود حقوقی را می‌سازد لذا عقد، عبارت است از خلق یک ماهیت حقوقی (شهادی، 📁📁📁📁📁📁، 📁📁📁📁📁📁) که جنبه ایجاد دارد و اراده انشایی نامیده می‌شود. آنچه عقد را می‌سازد، اراده باطنی یا همان اراده حقیقی است منتهی این اراده باطنی باید مبرز بیرونی داشته باشد که دلالت بر قصد کند (ماده 📁📁📁 ق.م.). اراده انشایی ممکن است به یکی از صورت های زیر ابراز شود:

📁- انشاء لفظی

یکی از روشهای معمول تفاهم و انتقال معانی میان مردم، لفظ می‌باشد تا جایی که علمای منطق «وجود لفظی» را از مراتب وجودی اشیاء، معرفی نمودند (مظفر، 1373، 43). گروهی از زبان‌شناسان نیز زبان را مخلوق واژه ملفوظ می‌دانند و به دلیل همراه بودن گفتار با لحن کلام از قبیل آهنگ، تکیه، مکث و مشهود بودن حالات صورت و حرکات بدنی، نقش ممتازی در ارتباط و انتقال مفاهیم برای آن قایل می‌باشند (دوسوسور، 1382، 36؛ باقری، 1383، 21؛ دبیر مقدم، 1387، 📁📁). یکی از وسایل ابراز اراده انشایی نیز لفظ می‌باشد به عبارت دیگر، مفاد ایجاب و قبول پیش از اعلام اراده در ضمیر شخص به وجود می‌آید ولی چون عقد مانند سایر امور حقوقی، پدیده ای اجتماعی است و حقوق نمی‌تواند به درون ضمیر اشخاص راه یابد. بنابراین، آنچه که در ضمیر اشخاص روی داد باید برای ورود به عالم حقوق به نحوی اعلام شود. اما عده ای از فقها از این نیز پیشتر رفته و لفظ را جزء عناصر مقوم و سازنده انشاء و در بسیاری از موارد آن را تنها راه ابراز و اعلام اراده به حساب آوردند (انصاری، 📁📁📁📁📁📁، ق، 📁📁📁) و آنچه را که در ضمیر شخص می‌گذرد، نوعی طلب و شوق معرفی می‌کنند (کاتوزیان، 1364، 1، 266).

📁- انشاء اشاری



منظور از اشاره، آن نوع از صیغه است که مسبوق به کلام نباشد (دهخدا، ۱۳۸۵، ۲۲۰۸). فقها اگرچه لفظ را روش معمول و شایع ابراز یا حتی انشاء قصد اعلام کردند با این حال به نظر آنها در مواردی که شخص قدرت اداء لفظ را نداشته باشد، (مانند شخص لال) می‌تواند با اشاره ای که مبین قصد باشد، معامله را انشاء نماید (مکی عاملی، ۱۳۸۵، ۲۰۸). به این ترتیب عده ای را عقیده بر این است که در صورت تمکن از اداء لفظ، اشاره کافی نخواهد بود.

۱-۳- انشاء فعلی

درباره دلالت فعل بر قصد انشاء، میان فقها اتفاق نظر وجود ندارد. در آثار فقهی، رابطه ای که در آن از لفظ برای اعلام قصد انشاء استفاده نشود و صرفاً به رد و بدل مالی منجر شود و میان طرفین رابطه ای ایجاد شود «معاطات» گفته می‌شود. در باره اینکه معاطات چه معنایی را افاده می‌کند، اختلاف نظر زیادی وجود دارد (انصاری، ۱۳۸۵، ۲۰۸-۲۱۰). با این حال، عقد نکاح، طبق نظر فقها باید لفظی و با الفاظ مخصوص و به نظر برخی به زبان عربی باشد (مکی عاملی، ۱۳۸۵، ۲۰۸). تا رابطه زوجیت میان زن و شوهر برقرار گردد و در برخی موارد مانند ودیعه (مکی عاملی، ۱۳۸۵، ۲۰۸)؛ جبعی عاملی، ۱۳۸۵، ۲۰۸) و رجوع (مکی عاملی، ۱۳۸۵، ۲۰۸) نیز فعل به عنوان مبرز و کاشف از قصد در کنار لفظ و اشاره آمده است.

ماده ۲۰۸ قانون مدنی بر لزوم وجود مبرز خارجی برای قصد انشاء تأکید و ماده ۲۰۸ قانون مدنی بر نقش لفظ و اشاره در تبیین قصد انشاء توجه نموده و ماده ۲۰۸ نیز انشاء عقد بوسیله فعل (مانند قبض و اقباض) را که حاکی از قصد باشد به عنوان یک اصل پذیرفته است. ماده ۲۰۸ قانون مذکور نیز سه مورد از چیزهایی را که کاشف از قصد باشد، به ترتیب ذکر نموده است: «الفاظ و اشارات و اعمالی که متعاملین بوسیله آن انشاء معامله می‌کنند باید موافق باشد...».

اما ماده ۲۰۸ قانون فوق‌الذکر در مورد عقد نکاح مقرر نمود: «نکاح واقع می‌شود به ایجاب و قبول به لفظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید». به نظر برخی حقوقدانان از آنجایی که نکاح، قراردادی مهم بوده و تعهدات سنگینی برای طرفین ایجاد می‌کند، زوجین باید صرفاً اراده خود را بر تشکیل خانواده قانونی با بکار بردن الفاظ، اعلام کنند تا آثار نکاح بر آن بار شود لذا قانونگذار، صرف معاشرت و مراوده میان زن و مرد و ایجاد رابطه جنسی آنها -که صراحت در بیان اراده ندارد- برای تحقق نکاح، کافی نم‌داند تا اینکه از اول هیچ گونه شک و شبهه و ابهامی در قصد نکاح وجود نداشته باشد.

4-1. انشاء نوشتاری

چنانکه گفته شد، زبانشناسان لفظ را به دلیل همراه بودن گفتار با لحن کلام از قبیل آهنگ، تکیه، مکث و مشهود بودن حالات صورت و حرکات بدنی در بیان مقصود بر نوشته ترجیح می‌دهند اما نوشته را گونه ای از نمود ملفوظ معرفی می‌نمایند که پایداری و دوام بیشتری از لفظ دارد (دوسوسور، ۱۳۸۲، ۳۶؛ باقری، ۱۳۸۳، ۲۳؛ دبیر مقدم، ۱۳۸۷، ۳۹). علمای منطق نیز وجود کتبی را پایین‌ترین درجه وجودی اشیاء، دانسته که در تفهیم و تفاهم میان افراد غایب و نیز آیندگان به کار می‌رود (مظفر، ۱۳۷۳، ۴۴؛ اژه‌ای، ۱۳۷۲، ۳۴).

سئوالی که مطرح می‌شود این است که آیا نوشته می‌تواند در بیان اراده انشایی، جای لفظ و اشاره را در عقود و ایقاعات بگیرد؟ اگرچه عده ای از فقها نیز عقیده دارند که برای انعقاد عقد و جریان آثار آن لازم است ابراز اراده و قصد با لفظ بیان شود اما گروهی از فقهای متأخر، عمل و نوشته را نیز مانند لفظ برای انشاء معامله کافی می‌دانند (مکی عاملی، ۱۳۸۵، ۲۰۸). برخی نوشته را در ردیف اشاره قرار دادند. در این صورت نوشته، کاملترین اقسام اشاره بوده و می‌تواند مانند لفظ، مقصود را به طور صریح تفهیم کند لذا نوشته آن قسم از اشاره است که حتی اگر شخص قدرت بر تلفظ را هم داشته باشد، می‌تواند از طریق نوشته قصد خود را اعلام کند (امامی، ۱۳۸۵، ۲۰۸)؛ کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۲۰۸). بنابراین اگرچه ساده‌ترین و معمول‌ترین روش تفاهم معانی الفاظ است با این حال، اعلام اراده به وسیله نوشته نیز در حکم بیان الفاظ پذیرفته شده است زیرا نوشته نیز مانند لفظ وسیله عرفی و عادی انتقال معانی است با این حال، نظر علمای منطق این است که وجود کتبی، دلیل بر وجود لفظی، وجود لفظی، دلیل بر وجود ذهنی و وجود ذهنی، دلیل بر وجود خارجی است از این جهت میان وجود لفظی و کتبی کلمات تفاوتی وجود دارد ولی از روح



ماده 1309 به بعد قانون مدنی، لزوم نوشته برای اثبات اعمال حقوقی، دریافت و از مواد 22 تا 48 قانون ثبت و 223 به بعد قانون تجارت و مواد 276 تا 297 قانون امور حسبی نیز همین معنی بر می آید.

ماده ۲۷۶ قانون مدنی مقرر داشته است: «عقد محقق می شود به قصد انشاء و به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند». این ماده تحقق عقد را به هر «چیزی» که دلالت بر قصد کند ممکن دانسته است. ضمن اینکه ماده ۲۷۶ قانون مدنی در مواردی که برای طرفین یا یکی از آنها تلفظ ممکن نباشد، اشاره را که مبین قصد و رضا باشد، کافی دانسته است. برخی از حقوقدانان در مواردی که حتی امکان تلفظ هم وجود داشته باشد، باز هم اشاره را به عنوان یکی از وسایل ابراز اراده پیشنهاد کرده اند (امامی، ۱۳۹۱). در این مورد، نوشتن را «انشاء اشاری» به حساب آوردند، علاوه بر این ماده ۲۷۶ قانون مدنی مقرر نموده است: «انشاء معامله ممکن است بوسیله عملی که مبین قصد و رضا باشد مثل قبض و اقباض حاصل گردد» لذا ممکن است نوشتن، «انشاء عملی» باشد. سؤال مطرح دیگر این است که انشاء عملیات براتی (صدور، قبولی، ظهرنویسی و ضمانت) حسب مورد چگونه خواهد بود؟ برای پاسخ به سؤال فوق، قبل از هر چیز باید ماهیت حقوقی عملیات مذکور را مشخص نمود و به عبارت بهتر به این سؤال پاسخ داد که ماهیت حقوقی هر یک از عملیات براتی با کدام تأسیس حقوق مدنی، قابل توجیه است؟ قانون تجارت در باره ماهیت حقوقی تعهدات امضاءکنندگان اسناد براتی به سکوت برگزار نموده است حتی کنوانسیون های متحدالشکل ۲۷۶ ژنو و ۲۷۶ آنستیرال نیز متعرض بیان ماهیت حقوقی آن نشده است. از دیدگاه حقوقدانان مدنی، پدیده های حقوقی اگرچه کاملاً تجاری نیز باشد باید در یکی از عناوین عقد، ایقاع و قالب گیری گردد از این رو، برای تبیین ماهیت حقوقی پدیده ای مانند برات، نظریات گوناگونی ارائه دادند که برخی با عمل حقوقی (عقد یا ایقاع) بودن برات و برخی با واقعه حقوقی بودن آن سازگار است (اخلاقی، ۱۳۹۱). هرگاه برات، عقد باشد، عقد عبارت است از توافق و همکاری دو اراده و قصد برای ایجاد اثر دلخواه (کاتوزیان، ۱۳۸۱)، یا ماهیت حقوقی مورد نظر (شهیدی، ۱۳۸۱)، در این صورت نحوه دخالت هریک از اطراف اسناد براتی و نحوه ابراز انشاء او باید مورد بررسی قرارگیرد:

در مورد صدور اسناد تجاری، همانند سایر اعمال حقوقی، وجود قصد انشاء لازم است. با وجود این نحوه ابراز آن با اعمال حقوقی مربوط به حقوق مدنی، تفاوت هایی دارد. مواد مربوط به شرایط صوری اسناد مذکور ۲۷۶ و ۲۷۷ قانون تجارت. تردیدی باقی نمی گذارد که بر خلاف عقود و ایقاعات مندرج در قانون مدنی که قصد انشاء در آنها ممکن است از طریق لفظ، اشاره، یا فعل باشد در صدور اسناد براتی، قصد انشاء یا رکن مهم آن، کتبی بودن می باشد.

طبق این ویژگی، تعهد براتی امضاءکنندگان سند تجاری و حقوق دارنده آن صرفاً از شکل و فرم آن ناشی می شود و نه از رابطه حقوقی مبنا و منشأ آن. اسناد تجاری، مخصوصاً برات، سفته و چک به لحاظ صورت و شکل ظاهری هر کدام دارای ویژگی های منحصر به فردی است و الزاماً باید مندرجات خاصی داشته باشد تا سندی، تجاری تعهد آور به حساب آید. از یک طرف باید تعهدات و حقوق مندرج در آنها از هر جهت واضح و روشن باشد و از طرف دیگر، نباید در آنها ابهاماتی وجود داشته باشد که اعتبار آن را نزد عموم مخدوش سازد. قابلیت نقل و انتقال اسناد مذکور به عنوان وسیله پرداخت به نحوه انشاء تعهدات مندرج در آنها بستگی دارد از این رو، در صدور برات و سایر اسناد براتی باید شرایط صوری خاصی رعایت گردد به گونه ای که با یک بررسی اجمالی نسبت به صحت تنظیم و حقوق و تعهدات مندرج در آنها اطمینان حاصل گردد (اخلاقی، ۱۳۹۱). در حقوق مدنی فرانسه برای ابراز قصد و اراده وسیله و شکل خاصی، مقرر نشده است و ابراز آن بوسیله لفظ، نوشته یا هر عمل دیگر، موثر در تشکیل عقد است. ۲ قانون تجارت آن کشور اگرچه در مورد تعریف اسناد براتی به سکوت برگزار نموده است، ماده ۲۷۶ قانون متحدالشکل ژنو-که جزء حقوق داخلی آن کشور محسوب است- برای برات شرایط شکلی هشتگانه ای قایل شده است که حکایت از کتبی بودن آن است: «۱- قید کلمه برات در متن سند به همان زبانی که سند تنظیم شده است ۲- دستور بدون قید و شرط پرداخت مبلغ معین ۳- نام شخصی که باید پرداخت کند ۴- تعیین



سررسید^۳ - محلی که پرداخت باید انجام گیرد^۴ - نام کسی که به او یا درجه او پرداخت باید انجام گیرد^۵ - تعیین تاریخ و محلی که برات صادر شده است^۶ - امضاء کسی که برات را صادر می‌کند^۷. حقوقدانان تجارت فرانسوی، تعاریف مختلفی از سند تجاری^۸ ارائه دادند که اطلاق عنوان سند، به خودی خود، دلالت بر کتبی بودن این رابطه دارد. بر اساس یکی از تعاریف که جنبه کلاسیک دارد: «برات نوشته ای است که به موجب آن، شخصی به شخصی دیگر دستور می‌دهد که...». قانون بروات انگلیس، مصوب 1884 برات را چنین تعریف کرده است: «برات، دستور کتبی بدون قید و شرط و امضاء شده ای است...». لذا کتبی بودن، صدور اسناد براتی در کشور های تابع نظام حقوقی انگلیس نیز پذیرفته شده است (Gulshan & Kapoor, 2000, p. 209).

قانون تجارت ایران نیز هیچ تعریفی در خصوص برات ارائه نداده است اما دقت در مواد^۹ تا^{۱۰} این قانون، تردیدی در کتبی بودن رابطه براتی باقی نمی‌گذارد. زیرا ماده^{۱۱} قانون تجارت ضمن اینکه در ماده^{۱۲} شرایط صوری برات احصاء نموده است در سایر مواد از جمله ماده^{۱۳} نیز «نوشته» بودن مندرجات آن را مورد تاکید قرار داده است: «تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته می‌شود اگر مبلغ بیش از یک دفعه با تمام حروف نوشته شود و بین آنها اختلاف باشد مبلغ کمتر منطابق اعتبار است و اگر مبلغ با حروف و رقم هر دو نوشته شود و بین آنها اختلاف باشد مبلغ به حروف معتبر است». علاوه براین، صدر ماده^{۱۴} قانون تجارت، امضاء یا مهر برات دهنده را قبل از سایر شرایط صوری ذکر نمود که حاکی از کتبی بودن عملیات صدور برات می‌باشد.

بر اساس ماده^{۱۵} قانون تجارت: «فته طلب، سندی است...». ماده^{۱۶} آن قانون مقرر داشته است که: «فته طلب، علاوه بر امضاء یا مهر باید دارای تاریخ یا متضمن مراتب ذیل باشد: - مبلغی که باید تأدیه شود با تمام حروف^{۱۷} -...». ماده^{۱۸} قانون تجارت نیز مقرر داشته است: «چک نوشته ای است...» با وجود اصلاح مکرر مقررات مربوط به چک در حقوق ایران بر این بخش از تعریف - که بر کتبی بودن رابطه ناشی از چک، صراحت دارد - خللی وارد نشده است. ماده^{۱۹} مقرر کرد: «در چک باید محل و تاریخ صدور قید شده و به امضای صادرکننده برسد...».

به رغم عدم وجود صراحت در نوشته بودن برات و تعریف سفته به سند و چک به نوشته از مجموع مقررات مربوط به سه سند فوق به راحتی می‌توان استنباط نمود که کتبی بودن، رکن اصلی و شرط لازم برای صدور اسناد مذکور باشد. عملیات دیگری که روی سند براتی صورت می‌گیرد، قبولی است اما باید توجه داشت که قبولی فقط در مورد برات صدق می‌کند زیرا در مورد چک اگرچه سه شخص، دخالت دارند، (صادر کننده، دارنده و محال علیه) صادر کننده بر روی حساب خود چک می‌کشد و نیازی به قبولی محال علیه ندارد. در مورد سفته نیز فقط دو شخص دخالت دارد (صادر کننده و دارنده) منتهی برخی عقیده دارند که در سفته نیز عملیات قبولی صورت می‌گیرد و صادر کننده سفته در واقع علاوه بر صدور، پرداخت آن را قبول و تعهد می‌نماید (اسکینی، 1373، 181).

برخلاف رابطه معاملاتی که سکوت در آن (صرفاً به عنوان وسیله ابراز قبول) پذیرفته شده است، در مورد برات، قبولی باید در خود آن منعکس گردد. بر اساس ماده^{۲۰} م.م.ژ. و قانون مورخ^{۲۱} ژوئن^{۲۲} فرانسه، براتکش و ظهرنویسان می‌توانند برات را امضاء یا مهر کنند ولی براتگیر الزاماً باید عبارات مشعر بر قبولی و همچنین امضاء خود را با دست بنویسد زیرا وی پس از قبول متعهد اصلی پرداخت وجه برات است. ماده^{۲۳} قانون تجارت مقرر می‌دارد: «قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته شده، امضاء یا مهر می‌شود و در صورتی که برات به وعده از رویت باشد، تاریخ قبولی با تمام حروف نوشته خواهد شد اگر قبولی بدون تاریخ نوشته شد، تاریخ برات، تاریخ رویت حساب می‌شود». طبق ماده^{۲۴} قانون تجارت: «هر عبارتی که محال علیه در برات نوشته، امضاء یا مهر کند، قبولی محسوب است مگر اینکه صریحاً عبارت، مشعر بر عدم قبول باشد...». در صورتی که محال علیه بدون تحریر هیچ عبارتی، برات را امضاء یا مهر نماید، برات قبول شده محسوب است». ماده^{۲۵} قانون تجارت، مقرر داشت اگر قبولی مشروط به شرط نوشته شده باشد برات نکول شده محسوب می‌شود ولی مع هذا قبول کننده به شرط در حدود شرطی که نوشته، مسئول پرداخت برات است». دقت در مفاد متون مواد قانونی فوق به وضوح نشان می‌دهد که عملیات قبولی روی برات علاوه بر لزوم رعایت شرایط ماهوی و اساسی قراردادهای، مستلزم کتبی بودن است.

³ - Effet de Commerce



ظهنویسی یعنی انتقال تمام یا قسمتی از حقوق ناشی از برات، سفته و چک توسط دارنده به منتقل الیه خود که معمولاً در پشت سند نوشته و امضاء می‌شود. ظهنویسی می‌تواند به منظور انتقال وجه سند باشد در این صورت تمام حقوق ناشی از سند به دارنده جدید منتقل می‌شود و در صورتی که ظهنویسی برای وکالت باشد وکیل حق وصول، اعتراض و دعوی برای وصول را دارد. ظهنویسی ممکن است برای وثیقه باشد این نوع از ظهنویسی اگرچه در سایر نظامهای حقوقی پیش‌بینی و مورد توجه حقوقدانان مدنی و تجارت ایران نیز واقع شده و رویه مورد عمل بانک‌ها نیز می‌باشد به دلیل نص مواد ۱۰۸۱ و ۱۰۸۲ و قانون مدنی در خصوص لزوم مالیت داشتن مرهونه و عین بودن آن با مانع بزرگی مواجه شده است. از مواد ۱۰۸۱ تا ۱۰۸۲ ق.ت. در مورد برات، ماده ۱۰۸۱ قانون تجارت در مورد سفته و ماده ۱۰۸۲ و ۱۰۸۳ ق.ت. در مورد چک بر می‌آید که ظهنویسی اسناد براتی به صورت کتبی خواهد بود.

ضمانت^۴ در سند، عبارت است از اینکه شخصی خود را ضامن پرداخت وجه آن نسبت به یکی از متعهدین قبلی برات (صادر کننده، براتگیر، ظهنویس) در سررسید قرار دهد. کسی که چنین تعهدی می‌کند، ضامن نامیده می‌شود و کسی را که ضامن از او ضمانت نموده باشد، مضمون عنه می‌گویند. از تاسیس ضمانت در مواردی استفاده می‌شود که ذینفع برات به پرداخت وجه برات از طرف برات دهنده، براتگیر یا ظهنویس، اطمینان کافی ندارد. عملیات ضمانت که معمولاً از طرف بانک‌ها صورت می‌گیرد- به دارنده این امکان را می‌دهد که در صورت عدم پرداخت در سررسید، علاوه بر سایر مسئولین بتواند به ضامن نیز مراجعه کند. مقررات قانون تجارت در مورد ضمانت، بسیار مختصر بوده و فقط در مواد ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳ و ۱۰۸۴ - که درباره موارد لزوم تعیین ضامن در برات می‌باشد- و ماده ۱۰۸۵ - که طبق ماده ۱۰۸۵ و ۱۰۸۶ قانون تجارت به سفته و چک نیز قابل تسری می‌باشد- به رابطه ضامن و مضمون عنه و دارنده بسنده نموده و در مورد نحوه ابراز اراده در ضامن به سکوت برگزار کرده است با این حال روش معمول در ضمانت آن است که ضامن در متن یا ظهر برات، سفته و چک، امضاء می‌کند بدون اینکه ملزم باشد عبارتی را بنویسد (اسکینی، ۱۳۹۱، ۱۰۸۵). اخلاقی، ۱۳۹۱، ۱۰۸۶). علاوه بر این در برخی کشورها مانند فرانسه به تبعیت از ماده ۱۰۸۵ از ضمیمه دوم قانون متحدالشکل ژنو، ضمانت در سندی جداگانه نیز پذیرفته شده است (بند ۱ از ماده ۱۰۸۵) اما در برخی کشورها مانند آلمان، ایتالیا، ژاپن و سوییس، ضمانت در سندی جداگانه پذیرفته نشده است. صرف نظر از امکان و عدم امکان ضمانت در سندی جداگانه در حقوق ایران در مورد کتبی بودن عملیات ضمانت، تردیدی وجود ندارد.

۱۰۸۵. عینی بودن انشاء

در فقه اسلامی و قانون مدنی ایران، چنانکه گفته شد، در موارد مختلفی بر انشاء معامله بوسیله فعل یا عمل تاکید شده است. مثلاً ماده ۱۰۸۵ اخلاقی اشعار داشته است: «انشاء معامله ممکن است بوسیله عملی که مبین قصد و رضا باشد مثل قبض و اقباض حاصل گردد مگر در مواردی که استثناء شده باشد» و این حکم در مواد ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۱۹، ۱۵۲۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۴۹، ۱۵۵۰، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴، ۱۵۵۵، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۵۵۸، ۱۵۵۹، ۱۵۶۰، ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۳، ۱۵۶۴، ۱۵۶۵، ۱۵۶۶، ۱۵۶۷، ۱۵۶۸، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۵، ۱۵۷۶، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، ۱۵۷۹، ۱۵۸۰، ۱۵۸۱، ۱۵۸۲، ۱۵۸۳، ۱۵۸۴، ۱۵۸۵، ۱۵۸۶، ۱۵۸۷، ۱۵۸۸، ۱۵۸۹، ۱۵۹۰، ۱۵۹۱، ۱۵۹۲، ۱۵۹۳، ۱۵۹۴، ۱۵۹۵، ۱۵۹۶، ۱۵۹۷، ۱۵۹۸، ۱۵۹۹، ۱۶۰۰، ۱۶۰۱، ۱۶۰۲، ۱۶۰۳، ۱۶۰۴، ۱۶۰۵، ۱۶۰۶، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸، ۱۶۰۹، ۱۶۱۰، ۱۶۱۱، ۱۶۱۲، ۱۶۱۳، ۱۶۱۴، ۱۶۱۵، ۱۶۱۶، ۱۶۱۷، ۱۶۱۸، ۱۶۱۹، ۱۶۲۰، ۱۶۲۱، ۱۶۲۲، ۱۶۲۳، ۱۶۲۴، ۱۶۲۵، ۱۶۲۶، ۱۶۲۷، ۱۶۲۸، ۱۶۲۹، ۱۶۳۰، ۱۶۳۱، ۱۶۳۲، ۱۶۳۳، ۱۶۳۴، ۱۶۳۵، ۱۶۳۶، ۱۶۳۷، ۱۶۳۸، ۱۶۳۹، ۱۶۴۰، ۱۶۴۱، ۱۶۴۲، ۱۶۴۳، ۱۶۴۴، ۱۶۴۵، ۱۶۴۶، ۱۶۴۷، ۱۶۴۸، ۱۶۴۹، ۱۶۵۰، ۱۶۵۱، ۱۶۵۲، ۱۶۵۳، ۱۶۵۴، ۱۶۵۵، ۱۶۵۶، ۱۶۵۷، ۱۶۵۸، ۱۶۵۹، ۱۶۶۰، ۱۶۶۱، ۱۶۶۲، ۱۶۶۳، ۱۶۶۴، ۱۶۶۵، ۱۶۶۶، ۱۶۶۷، ۱۶۶۸، ۱۶۶۹، ۱۶۷۰، ۱۶۷۱، ۱۶۷۲، ۱۶۷۳، ۱۶۷۴، ۱۶۷۵، ۱۶۷۶، ۱۶۷۷، ۱۶۷۸، ۱۶۷۹، ۱۶۸۰، ۱۶۸۱، ۱۶۸۲، ۱۶۸۳، ۱۶۸۴، ۱۶۸۵، ۱۶۸۶، ۱۶۸۷، ۱۶۸۸، ۱۶۸۹، ۱۶۹۰، ۱۶۹۱، ۱۶۹۲، ۱۶۹۳، ۱۶۹۴، ۱۶۹۵، ۱۶۹۶، ۱۶۹۷، ۱۶۹۸، ۱۶۹۹، ۱۷۰۰، ۱۷۰۱، ۱۷۰۲، ۱۷۰۳، ۱۷۰۴، ۱۷۰۵، ۱۷۰۶، ۱۷۰۷، ۱۷۰۸، ۱۷۰۹، ۱۷۱۰، ۱۷۱۱، ۱۷۱۲، ۱۷۱۳، ۱۷۱۴، ۱۷۱۵، ۱۷۱۶، ۱۷۱۷، ۱۷۱۸، ۱۷۱۹، ۱۷۲۰، ۱۷۲۱، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۲۴، ۱۷۲۵، ۱۷۲۶، ۱۷۲۷، ۱۷۲۸، ۱۷۲۹، ۱۷۳۰، ۱۷۳۱، ۱۷۳۲، ۱۷۳۳، ۱۷۳۴، ۱۷۳۵، ۱۷۳۶، ۱۷۳۷، ۱۷۳۸، ۱۷۳۹، ۱۷۴۰، ۱۷۴۱، ۱۷۴۲، ۱۷۴۳، ۱۷۴۴، ۱۷۴۵، ۱۷۴۶، ۱۷۴۷، ۱۷۴۸، ۱۷۴۹، ۱۷۵۰، ۱۷۵۱، ۱۷۵۲، ۱۷۵۳، ۱۷۵۴، ۱۷۵۵، ۱۷۵۶، ۱۷۵۷، ۱۷۵۸، ۱۷۵۹، ۱۷۶۰، ۱۷۶۱، ۱۷۶۲، ۱۷۶۳، ۱۷۶۴، ۱۷۶۵، ۱۷۶۶، ۱۷۶۷، ۱۷۶۸، ۱۷۶۹، ۱۷۷۰، ۱۷۷۱، ۱۷۷۲، ۱۷۷۳، ۱۷۷۴، ۱۷۷۵، ۱۷۷۶، ۱۷۷۷، ۱۷۷۸، ۱۷۷۹، ۱۷۸۰، ۱۷۸۱، ۱۷۸۲، ۱۷۸۳، ۱۷۸۴، ۱۷۸۵، ۱۷۸۶، ۱۷۸۷، ۱۷۸۸، ۱۷۸۹، ۱۷۹۰، ۱۷۹۱، ۱۷۹۲، ۱۷۹۳، ۱۷۹۴، ۱۷۹۵، ۱۷۹۶، ۱۷۹۷، ۱۷۹۸، ۱۷۹۹، ۱۸۰۰، ۱۸۰۱، ۱۸۰۲، ۱۸۰۳، ۱۸۰۴، ۱۸۰۵، ۱۸۰۶، ۱۸۰۷، ۱۸۰۸، ۱۸۰۹، ۱۸۱۰، ۱۸۱۱، ۱۸۱۲، ۱۸۱۳، ۱۸۱۴، ۱۸۱۵، ۱۸۱۶، ۱۸۱۷، ۱۸۱۸، ۱۸۱۹، ۱۸۲۰، ۱۸۲۱، ۱۸۲۲، ۱۸۲۳، ۱۸۲۴، ۱۸۲۵، ۱۸۲۶، ۱۸۲۷، ۱۸۲۸، ۱۸۲۹، ۱۸۳۰، ۱۸۳۱، ۱۸۳۲، ۱۸۳۳، ۱۸۳۴، ۱۸۳۵، ۱۸۳۶، ۱۸۳۷، ۱۸۳۸، ۱۸۳۹، ۱۸۴۰، ۱۸۴۱، ۱۸۴۲، ۱۸۴۳، ۱۸۴۴، ۱۸۴۵، ۱۸۴۶، ۱۸۴۷، ۱۸۴۸، ۱۸۴۹، ۱۸۵۰، ۱۸۵۱، ۱۸۵۲، ۱۸۵۳، ۱۸۵۴، ۱۸۵۵، ۱۸۵۶، ۱۸۵۷، ۱۸۵۸، ۱۸۵۹، ۱۸۶۰، ۱۸۶۱، ۱۸۶۲، ۱۸۶۳، ۱۸۶۴، ۱۸۶۵، ۱۸۶۶، ۱۸۶۷، ۱۸۶۸، ۱۸۶۹، ۱۸۷۰، ۱۸۷۱، ۱۸۷۲، ۱۸۷۳، ۱۸۷۴، ۱۸۷۵، ۱۸۷۶، ۱۸۷۷، ۱۸۷۸، ۱۸۷۹، ۱۸۸۰، ۱۸۸۱، ۱۸۸۲، ۱۸۸۳، ۱۸۸۴، ۱۸۸۵، ۱۸۸۶، ۱۸۸۷، ۱۸۸۸، ۱۸۸۹، ۱۸۹۰، ۱۸۹۱، ۱۸۹۲، ۱۸۹۳، ۱۸۹۴، ۱۸۹۵، ۱۸۹۶، ۱۸۹۷، ۱۸۹۸، ۱۸۹۹، ۱۹۰۰، ۱۹۰۱، ۱۹۰۲، ۱۹۰۳، ۱۹۰۴، ۱۹۰۵، ۱۹۰۶، ۱۹۰۷، ۱۹۰۸، ۱۹۰۹، ۱۹۱۰، ۱۹۱۱، ۱۹۱۲، ۱۹۱۳، ۱۹۱۴، ۱۹۱۵، ۱۹۱۶، ۱۹۱۷، ۱۹۱۸، ۱۹۱۹، ۱۹۲۰، ۱۹۲۱، ۱۹۲۲، ۱۹۲۳، ۱۹۲۴، ۱۹۲۵، ۱۹۲۶، ۱۹۲۷، ۱۹۲۸، ۱۹۲۹، ۱۹۳۰، ۱۹۳۱، ۱۹۳۲، ۱۹۳۳، ۱۹۳۴، ۱۹۳۵، ۱۹۳۶، ۱۹۳۷، ۱۹۳۸، ۱۹۳۹، ۱۹۴۰، ۱۹۴۱، ۱۹۴۲، ۱۹۴۳، ۱۹۴۴، ۱۹۴۵، ۱۹۴۶، ۱۹۴۷، ۱۹۴۸، ۱۹۴۹، ۱۹۵۰، ۱۹۵۱، ۱۹۵۲، ۱۹۵۳، ۱۹۵۴، ۱۹۵۵، ۱۹۵۶، ۱۹۵۷، ۱۹۵۸، ۱۹۵۹، ۱۹۶۰، ۱۹۶۱، ۱۹۶۲، ۱۹۶۳، ۱۹۶۴، ۱۹۶۵، ۱۹۶۶، ۱۹۶۷، ۱۹۶۸، ۱۹۶۹، ۱۹۷۰، ۱۹۷۱، ۱۹۷۲، ۱۹۷۳، ۱۹۷۴، ۱۹۷۵، ۱۹۷۶، ۱۹۷۷، ۱۹۷۸، ۱۹۷۹، ۱۹۸۰، ۱۹۸۱، ۱۹۸۲، ۱۹۸۳، ۱۹۸۴، ۱۹۸۵، ۱۹۸۶، ۱۹۸۷، ۱۹۸۸، ۱۹۸۹، ۱۹۹۰، ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۱۹۹۳، ۱۹۹۴، ۱۹۹۵، ۱۹۹۶، ۱۹۹۷، ۱۹۹۸، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۱۰، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲، ۲۰۱۳، ۲۰۱۴، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶، ۲۰۱۷، ۲۰۱۸، ۲۰۱۹، ۲۰۲۰، ۲۰۲۱، ۲۰۲۲، ۲۰۲۳، ۲۰۲۴، ۲۰۲۵، ۲۰۲۶، ۲۰۲۷، ۲۰۲۸، ۲۰۲۹، ۲۰۳۰، ۲۰۳۱، ۲۰۳۲، ۲۰۳۳، ۲۰۳۴، ۲۰۳۵، ۲۰۳۶، ۲۰۳۷، ۲۰۳۸، ۲۰۳۹، ۲۰۴۰، ۲۰۴۱، ۲۰۴۲، ۲۰۴۳، ۲۰۴۴، ۲۰۴۵، ۲۰۴۶، ۲۰۴۷، ۲۰۴۸، ۲۰۴۹، ۲۰۵۰، ۲۰۵۱، ۲۰۵۲، ۲۰۵۳، ۲۰۵۴، ۲۰۵۵، ۲۰۵۶، ۲۰۵۷، ۲۰۵۸، ۲۰۵۹، ۲۰۶۰، ۲۰۶۱، ۲۰۶۲، ۲۰۶۳، ۲۰۶۴، ۲۰۶۵، ۲۰۶۶، ۲۰۶۷، ۲۰۶۸، ۲۰۶۹، ۲۰۷۰، ۲۰۷۱، ۲۰۷۲، ۲۰۷۳، ۲۰۷۴، ۲۰۷۵، ۲۰۷۶، ۲۰۷۷، ۲۰۷۸، ۲۰۷۹، ۲۰۸۰، ۲۰۸۱، ۲۰۸۲، ۲۰۸۳، ۲۰۸۴، ۲۰۸۵، ۲۰۸۶، ۲۰۸۷، ۲۰۸۸، ۲۰۸۹، ۲۰۹۰، ۲۰۹۱، ۲۰۹۲، ۲۰۹۳، ۲۰۹۴، ۲۰۹۵، ۲۰۹۶، ۲۰۹۷، ۲۰۹۸، ۲۰۹۹، ۲۱۰۰، ۲۱۰۱، ۲۱۰۲، ۲۱۰۳، ۲۱۰۴، ۲۱۰۵، ۲۱۰۶، ۲۱۰۷، ۲۱۰۸، ۲۱۰۹، ۲۱۱۰، ۲۱۱۱، ۲۱۱۲، ۲۱۱۳، ۲۱۱۴، ۲۱۱۵، ۲۱۱۶، ۲۱۱۷، ۲۱۱۸، ۲۱۱۹، ۲۱۲۰، ۲۱۲۱، ۲۱۲۲، ۲۱۲۳، ۲۱۲۴، ۲۱۲۵، ۲۱۲۶، ۲۱۲۷، ۲۱۲۸، ۲۱۲۹، ۲۱۳۰، ۲۱۳۱، ۲۱۳۲، ۲۱۳۳، ۲۱۳۴، ۲۱۳۵، ۲۱۳۶، ۲۱۳۷، ۲۱۳۸، ۲۱۳۹، ۲۱۴۰، ۲۱۴۱، ۲۱۴۲، ۲۱۴۳، ۲۱۴۴، ۲۱۴۵، ۲۱۴۶، ۲۱۴۷، ۲۱۴۸، ۲۱۴۹، ۲۱۵۰، ۲۱۵۱، ۲۱۵۲، ۲۱۵۳، ۲۱۵۴، ۲۱۵۵، ۲۱۵۶، ۲۱۵۷، ۲۱۵۸، ۲۱۵۹، ۲۱۶۰، ۲۱۶۱، ۲۱۶۲، ۲۱۶۳، ۲۱۶۴، ۲۱۶۵، ۲۱۶۶، ۲۱۶۷، ۲۱۶۸، ۲۱۶۹، ۲۱۷۰، ۲۱۷۱، ۲۱۷۲، ۲۱۷۳، ۲۱۷۴، ۲۱۷۵،



تشکیل و تمام آثار آن ایجاد می شود که موضوع عقد نیز تسلیم شود. در مورد نقش قبض، دیدگاههای متفاوتی وجود دارد: الف) قبض، شرط تحقق عقد است و لذا تا قبض صورت نگیرد عقدی تشکیل نمی شود. ب) قبض، شرط تاثیر عقد است یعنی عقد با ایجاب و قبول تشکیل می شود اما آثار آن از لحظه قبض شروع می شود. ج) قبض، شرط لزوم عقد است یعنی عقد با ایجاب قبول تشکیل و آثار آن هم از همان لحظه شروع می شود. اما جایز است و با قبض موضوع، لازم می شود. البته میان اقباض و تسلیم، تفاوت اندکی وجود دارد که دقت در مواد قانون مدنی آن را آشکار می سازد. قسمت اول ماده ۸۸۰ قانون مدنی مقرر می دارد: «تسلیم عبارت است از دادن بیع به تصرف مشتری به نحوی که متمکن از انحاء تصرفات و انتفاعات باشد...» ماده ۸۸۱ قانون مدنی فرانسه اشعار داشته است: «تسلیم عبارت است از گذاردن مبیع در اختیار مشتری یا دادن مبیع به تصرف او» همین طور در حقوق انگلیس، تسلیم بیشتر جنبه فیزیکی دارد (صفایی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۰۰)، اما قبض بر اساس قسمت دوم ماده ۸۸۰ قانون مدنی: «...قبض عبارت است از استیلاء مشتری بر مبیع» برای درک بهتر مفهوم قبض توجه به ماده ۸۸۱ قانون مدنی راهنمای مناسبی است: «تسلیم وقتی حاصل می شود که مبیع تحت اختیار مشتری گذاشته شده باشد اگرچه مشتری آن را هنوز عملاً تصرف نکرده باشد». به نظر می رسد منظور از قبض، تصرف مادی بر موضوع باشد اما منظور از تسلیم، فراهم کردن زمینه استیلاء و قبض می باشد. لذا ماده ۸۸۱ قانون مدنی مقرر داشت: «در حصول قبض اذن بایع شرط نیست و مشتری می تواند مبیع را بدون اذن قبض کند».

علی رغم اینکه آنچه در صدور اسناد براتی (برات، سفته و چک) بروز و ظهور دارد، ویژگی کتبی بودن آن است اما نوشتن و حتی امضاء آن، این رابطه را کامل نمی کند بلکه باید پس از تکمیل و امضاء به دارنده، تسلیم گردد تا عملیات صدور کامل شود. بنابراین حقوق اسناد تجاری نیز بواسطه رکن بودن قبض و اقباض سند از خانواده عقود رضایی فاصله می گیرد و به عقود عینی نزدیک می شود. مثلاً صادر کننده اسناد براتی نمی تواند صرفاً از طریق نوشتن و امضاء، اراده خود را انشاء کند بلکه علاوه بر انشاء مفاد سند باید آن را به دارنده تسلیم نماید. بنابراین نوشتن سند به تنهایی نمی تواند انشاء صادر کننده را کامل کند به عبارت دیگر، انشاء سند براتی علاوه بر کتبی بودن، مستلزم تحویل و اقباض مادی (کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۰) آن به دارنده است بنا براین اگر دارنده برات آن را به طریقی غیر از اقباض - که عملی ارادی از طرف صادر کننده آن است، یا به طریق عنف یا خیانت در امانت، تحصیل یا بواسطه سرقت یا پیدا کردن آن را بدست آورد - عنوان غاصب و متصرف غیر قانونی بر وی صدق می نماید و حق بر آن ندارد.

بر خلاف عقود رضایی مانند بیع عین معین که برای منتقل الیه حق عینی بر موضوع معامله ایجاد می شود، در اسناد براتی پس از تنظیم و امضاء آن توسط صادر کننده برای ذینفع نسبت به خود سند چنین حقی ایجاد نمی شود و نمی تواند آن را مطالبه کند. علاوه بر این تا زمانی که چنین اسنادی پس از تنظیم و امضاء در اختیار امضاء کننده قرار داشته و به تصرف ذینفع داده نشده باشد، برای امضاء کننده، تعهد آور نبوده و می تواند از تسلیم آن امتناع کند. در حالی که آورده و سهم صادر کننده سند براتی در ابراز و اعلام قصد انشاء، نوشتن سند و اقباض آن می باشد، ذینفع سند در ابراز اراده خود چیزی جز قبض و تسلیم سند در اختیار ندارد. او نمی تواند در هنگام دریافت در متن یا ظهر آن چیزی بنویسد و یا امضاء کند بلکه صرفاً آن را تسلیم و قبض می نماید. بنابراین در مورد دارنده، قبض و تسلیم سند علاوه بر اینکه وسیله ابراز قصد انشاء بوده و از این جهت دارای جنبه طریقت می باشد، موضوعیت نیز دارد. برات، قبل از قبولی اگرچه سند تجاری به حساب می آید اما سند کامل نیست. بنابراین دارنده باید آن را برای گرفتن قبولی در اختیار براتگیر قرار دهد و اراده خود را از طریق قبض دادن آن به وی اعلام نماید. این نوع قبض جنبه طریقت داشته و تنها وسیله ابراز اراده او به شمار می رود. در قبولی سند، براتگیر علاوه بر ابراز قصد انشاء از طریق نوشتن قبولی و امضاء، باید آن را به ذینفع سند تسلیم نماید. درست است که براتگیر پس از ارائه سند از طرف دارنده خواه نکول یا قبول کرده باشد باید آن را به ارائه کننده بازگرداند اما در صورتی که براتگیر، قبولی نوشته باشد در ضمن عمل بازگرداندن سند، تسلیم نیز صورت می گیرد و تا زمانی که آن را تسلیم ننموده باشد حق دارد بر روی امضاء خود خط بکشد و از استقرار تعهد بر دوش خود جلوگیری نماید چنانکه ماده ۸۸۱ قانون مدنی: «در حصول قبض اذن بایع شرط نیست بلکه مشتری می تواند مبیع را بدون اذن قبض نماید».

دارنده سند در صورتی که نام او در سند درج شده و بحواله کرد باشد، می تواند هنگام ظهرنویسی علاوه بر نوشتن مطالبی در ظهر سند و امضاء، آنرا به منتقل الیه تسلیم می نماید. در صورتی که اسناد در وجه حامل نوشته شده باشد (سفته و چک) یا اینکه در وجه حامل



ظهنویسی شده باشد (برات، سفته و چک) در انتقال آن به ایادی بعدی، قبض و اقباض نه تنها جنبه طریقی بلکه جنبه موضوعیت نیز دارد.

نتیجه گیری

بر اساس قواعد و اصول پذیرفته شده در فقه و حقوق مدنی، ماهیات حقوقی اعم از عقد یا ایقاع با قصد باطنی، انشاء می شوند اما برای اینکه در عالم اعتبار، منشأ اثر قرار گیرند لازم است به نحوی ابراز شوند. البته گروهی از فقها لفظ را تنها وسیله ابراز قصد انشاء معرفی و حتی برای هر یک از ماهیات مذکور، به زبان آوردن صیغه خاصی را پیشنهاد نمودند. فقط در مورد اشخاص عاجز از تلفظ، اشاره را که مفهوم مقصود باشد و عده ای نیز اشاره را در هر حال کافی شمردند فقهای متقدم در مورد دلالت فعل بر قصد انشاء، سختگیری نشان دادند و صرفاً در مورد قبول در برخی عقود از قبیل وکالت، ودیعه و... و ایقاعات مانند رجوع پذیرفتند و نوشته را در موارد خاصی وسیله ابراز قصد دانستند. فقهای متأخر، لفظ، فعل و نوشته را وسیله عمومی و اشاره را فقط در مورد شخص لال، وسیله ابراز قصد، اعلام ولی در مورد نکاح و طلاق، تلفظ را لازم شمردند.

قانون مدنی - که محمول بر نظر مشهور فقهای امامیه می باشد - ضمن اصرار بر لزوم وجود قصد باطنی برای تشکیل عقد یا ایقاع در مواد ۲۰۸ و ۲۰۹ و ماده ۲۱۰ صرفاً بر وجود « چیزی » که مبرز قصد باشد اکتفا نموده است. بنا براین می توان استدلال نمود که از نظر قانون مدنی، علی الاصول، ابراز هیچ عمل حقوقی، منحصر به لفظ نیست مگر در مورد نکاح و طلاق (مواد ۲۰۸ و ۲۰۹) ماده ۲۱۰، و ۲۱۱ و ۲۱۲، لفظ، فعل و اشاره (در مورد شخص لال) را وسیله ابراز قصد معرفی نموده است بدون اینکه متعرض نوشته شده باشد. برعکس در قوانین ثبتی و امور حسبی بر نقش نوشته و ثبت در معاملات غیرمنقول و حتی برخی معاملات منقول و وصیت تأکید شده است که صراحتاً نوشتن را وسیله ابراز قصد اعلام نموده است. برعکس در حقوق اسناد تجاری، نوشته بودن، رکن اصلی و اساسی آن است. نوشتن سند تنها وسیله ابراز قصد به حساب نمی آید بلکه ایجاد آن مقید به کتابت می باشد. مواد ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲



- 5- اسکینی، ربیعا، 1387، حقوق تجارت، شرکت های تجاری، ج 1، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات سمت
- 6- اژه ای، علی محمد، 1372، مبانی منطق، چاپ اول، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان
- 7- امامی، سیدحسن، 1373، حقوق مدنی، ج 1، چاپ چهاردهم، تهران، کتابفروشی اسلامیه
- 8- امامی، سیدحسن، 1373، حقوق مدنی، ج 2، چاپ چهاردهم، تهران، کتابفروشی اسلامیه
- 9- انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، 1309ق، بی چا، تهران، کتابفروشی اسلامیه
- 10- اسفندیاری، احمد، 1375، تقریرات درس حقوق تجارت، بی چا، شیراز، دانشکده حقوق دانشگاه شیراز
- 11- باقری، مهری، 1383، مقدمات زبانشناسی، چاپ هفتم، تهران، نشر قطره
- 12- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، 1372، ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، تهران، کتابخانه گنج دانش
- 13- دبیر مقدم، محمد، 1387، زبانشناسی نظری، چاپ اول، تهران، سمت
- 14- دوسوسور، فردینان، 1382، دوره زبانشناسی عمومی، ترجمه صفری، کوروش، چاپ دوم، تهران، هرمس
- 15- دهخدا، علی اکبر، 1371، لغتنامه، ج 1، چاپ اول، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران
- 16- ستوده تهرانی، حسن، 1388، حقوق تجارت، ج 3، چاپ، چهاردهم، تهران، نشر دادگستر
- 17- شهیدی، مهدی، 1380، تشکیل قراردادها و تعهدات، چاپ دوم، مجمع علمی و فرهنگی مجد،
- 18- شهیدی، مهدی، 1388، حقوق مدنی، 6، عقود معین 1، ، چاپ یازدهم، تهران، مجمع علمی فرهنگی مجد
- 19- شمس، عبدالله، 1388، ادله اثبات دعوا، چاپ پنجم، تهران، انتشارات دراک
- 20- صفایی، سیدحسین، عادل، مرتضی، کاظمی، محمود و میرزا نژاد، اکبر، 1384، حقوق بیع بین المللی با مطالعه تطبیقی، چاپ اول، تهران انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
- 21- صقری، محمد، 1380، حقوق بازرگانی اسناد، ج 1، برات، سفته، قبض انبار عمومی، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار
- 22- عبادی، محمدعلی، حقوق تجارت، ، چاپ اول، تهران، کتابخانه گنج دانش
- 24- فخاری، امیرحسین، بی تا، تقریرات درس حقوق تجارت 3، به کوشش سید رضا خاتمی، بی چا، تهران، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
- 25- قنوتی، جلیل، 1383، مطالعه تطبیقی ایجاب و قبول، چاپ اول، قم، بوستان کتاب قم
- 26- کاتوزیان، ناصر، 1388، درسهایی از عقود معین، ج 1، چاپ دوازدهم، تهران، کتابخانه گنج دانش
- 27- کاتوزیان، ناصر، 1364، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج 1، چاپ اول، تهران، انتشارات بهنشر
- 28- کاتوزیان، ناصر، 1376، حقوق مدنی، مشارکت ها و صلح، چاپ چهارم، تهران، کتابخانه گنج دانش
- 29- کاتوزیان، ناصر، 1379، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ چهارم، تهران، نشر دادگستر
- 30- کاویانی، کوروش، 1383، حقوق اسناد تجاری، چاپ اول، تهران، نشر میزان
- 31- گرجی، ابوالقاسم، 1378، مقالات حقوقی، ج 1، چاپ سوم، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران
- 32- مظفر، محمدرضا، 1373، منطق، ترجمه صانعی دره بیدی، منوچهر، چاپ اول، تهران، انتشارات حکمت
- 33- محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه، بخش مدنی 2، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت
- 34- Gulshan, S.S. & Kapoor, G.K. 2000, Business Law, New age International, Limited Publisher, Eighth Edition
- 35- Padfield, C.F. and Barker, D. L.A . 1989, Law made simple, made simple books, seventh edition, London

The Role of Formalities in Contracting of the Legal Relation in Negotiable Instrument

Ahmad Esfandiari

**Assistant Professor, Department of Private Law,
Sari Branch, Islamic Azad University, Sari,
Iran.**

Abstract

Every day, many properties are exchanged between ordinary people and businessmen, and many transactions are made. The relationship that is created between those around it through the transaction is called the basic relationship and is discussed in jurisprudence and civil law. In basic relations, the intention of composition is expressed by words, gestures, verbs or writing. Bill of exchange, promissory note, and check are instruments that play an important role in regulating financial relations between merchants. A relationship formed through the exchange of instruments between the parties involved in it is called a instrumental relationship and is studied in the negotiable instrument law. In instrumental relations, on the one hand, being in writing, indicator the intention of some parties of the instruments, and on the other hand, being objective in the case of others, is considered a pillar of legal action. In this way, in contrast to the legal acts based on civil law in the in negotiable instrument, the means of expressing the intention of composition by each of the issuer, acceptor, etc. is to write and sign the instrument and submit it, and from the holder, to receive and receive it. The purpose of this article is to discuss the role of the formalities in the formation of legal relations arising from in negotiable instrument, and descriptive-analytical methods have been used in it's compilation, using library tools.

Key words: Basic relationship, Instrumental relationship, Instrument, Writing, Delivery